رویش روان شناسی، سال۱۳، شماره۱۲، شماره پیاپی ۱۰۵، اسفند ۱۴۰۳
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),13(12), 2025

نقش میانجی عشق‌ورزی متعهدانه در رابطه بین نیازهای روانشناختی و رضایتمندی زناشویی در دانشجویان متاهل

The mediating role of committed love in the relationship between psychological needs and marital satisfaction in married students

احمد شجاعی
کارشناس ارشد روان‌شناسی، گروه روانشناسی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.
دکتر میرعبدالحسن عسکری رانکوه (نویسنده مسئول)
استادیار روانشناسی، گروه روانشناسی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.

Ahmad Shojaei
Master of Psychology, Department of Psychology, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran.
Dr. Mir Abdul Hasan Askari Rankouh*
Assistant Professor of Psychology, Department of Psychology, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran.
Asqari_rankouh@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش میانجی عشق‌ورزی متعهدانه در رابطه بین نیازهای روانشناختی و رضایتمندی زناشویی در دانشجویان متاهل پرداخته شد. پژوهش حاضر توصیفی- همبستگی از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه دانشجویان متاهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت در سال ۱۴۰۳ بودند که از بین آن‌ها به روش نمونه‌گیری در دسترس ۲۱۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. جهت جمع‌آوری داده‌ها از مقیاس مثلث عشق استرنبرگ (STLS؛ استرنبرگ، ۱۹۹۷)، پرسشنامه ارضاء نیازهای روانشناختی پایه (PNSS؛ دسی و رایان، ۲۰۰۰) و مقیاس رضایت زناشویی انریچ (EMS؛ اولسون، ۱۹۸۹) استفاده شد. تحلیل داده‌ها به روش مدل‌یابی معادلات ساختاری انجام شد. نتایج نشان داد که مدل پیشنهادی از برازش مطلوب برخودار است. همچنین نتایج نشان داد اثرات مستقیم نیازهای روانشناختی و عشق‌ورزی متعهدانه بر رضایت‌مندی زناشویی معنادار بود؛ همچنین اثر مستقیم نیازهای روانشناختی بر عشق‌ورزی متعهدانه معنادار بود (P<۰/۰۵). علاوه براین، نتیجه آزمون بوت استرپ نشان داد که عشق‌ورزی متعهدانه در رابطه بین نیازهای روانشناختی و رضایتمندی زناشویی نقش میانجی داشت (P<۰/۰۵). در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که نیازهای روانشناختی (خودمختاری، ارتباط و شایستگی) به صورت مستقیم و با نقش میانجی عشق‌ورزی متعهدانه بر رضایت مندی زناشویی اثر دارند.

واژه‌های کلیدی: *عشق‌ورزی متعهدانه، رضایتمندی زناشویی، نیازهای روانشناختی.*

Abstract

This research aimed to determine the mediating role of committed love in the relationship between psychological needs and marital satisfaction in married students. The present research was a descriptive-correlation type of structural equation modeling. The statistical population in this research included all the married students of Islamic Azad University, Rasht branch in 2023, from which 210 people were selected as a sample using the available sampling method. Sternberg's Triangular Love Scale (STLS; Sternberg, 1997), Basic Psychological Need Satisfaction Scales (PNSS; Deci and Ryan, 2000), and Enrich Marital Satisfaction Scale (EMS; Olson, 1989) were used to collect data. Data analysis was done by structural equation modeling method. The results showed that the proposed model is a good fit. Also, the results showed that the direct effects of psychological needs and committed love on marital satisfaction were significant; Also, the direct effect of psychological needs on committed love was significant (P<0.05). The results of the bootstrap test showed that committed love played a mediating role in the relationship between psychological needs and marital satisfaction (P<0.05). In general, it can be concluded that psychological needs (autonomy, relatedness, and competence) have a direct effect on marital satisfaction with the mediating role of committed love.

Keywords: *Committed Love, Marital Satisfaction, Psychological Needs.*

نوع مقاله : پژوهشی **دریافت : آبان ۱۴۰۳** **پذیرش: آبان ۱۴۰۳** **ویرایش نهایی: اسفند ۱۴۰۳**

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-22]

مقدمه

رضایت زناشویی[1] در بین دانشجویان متاهل موضوعی است که می‌تواند پیامدهای قابل توجهی هم برای افراد درگیر و هم برای عملکرد تحصیلی آن‌ها داشته باشد. سطوح بالای رضایت زناشویی اغلب با سلامت روانی بهتر، بهزیستی روانشناختی و موفقیت تحصیلی مرتبط است. در مقابل، سطوح پایین رضایت زناشویی می‌تواند منجر به افزایش استرس، اضطراب و عملکرد تحصیلی ضعیف شود (خضری و همکاران، ۲۰۲۰). تحقیقات نشان می‌دهد که رضایت زناشویی در میان دانشجویان متاهل می‌تواند تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله الگوهای ارتباطی، مهارت‌های حل تعارض، مدیریت زمان، استرس و حمایت اجتماعی باشد. زوج‌هایی که به طور موثر ارتباط برقرار می‌کنند، تعارضات را به طور سازنده حل می‌کنند و زمان خود را به خوبی مدیریت می‌کنند، احتمال بیشتری دارد که سطوح بالاتری از رضایت زناشویی را تجربه کنند (مددیان و همکاران، ۲۰۱۳). رضایت زناشویی به عنوان یکی از شاخص‌های کیفیت ازدواج، احساس واقعی لذت، رضایت و نشاطی است که زن و شوهر با در نظر گرفتن تمام جوانب ازدواج خود تجربه می‌کنند (سوروکوفسکی[2] و همکاران، ۲۰۱۷).

رضایت زناشویی می‌تواند تحت تاثیر عوامل مختلفی باشد؛ بررسی مطالعات دلالت براین دارند که برآورده شدن نیازهای روانشناختی[3] - خودمختاری، ارتباط و شایستگی- نقش مهمی در رضایت زناشویی دارد (کوکاک[4]، ۲۰۲۴؛ السمهین[5]، ۲۰۲۰؛ بشارت و همکاران، ۱۳۹۴). این نیازها، همانطور که در نظریه خود تعیین می‌شود، برای بهزیستی افراد ضروری است و ارتباط نزدیکی با کیفیت روابط، از جمله روابط زناشویی دارد (نعیمی، ۲۰۱۸). خودمختاری به نیاز به احساس استقلال، خودگردانی و کنترل اعمال و تصمیمات خود در یک رابطه اشاره دارد؛ رابطه به نیاز به ارتباط، صمیمیت و پیوندهای عاطفی با دیگران، از جمله همسر، مربوط می‌شود و شایستگی به نیاز به احساس مؤثر، توانمندی و موفقیت در فعالیت‌ها و تعاملات اشاره دارد (کوکاک، ۲۰۲۴). در پژوهشی نشان داده شد که برآورده ساختن این نیازهای روانشناختی در یک رابطه زناشویی برای پرورش احساس بهزیستی، شادی و رضایت در بین زوجین بسیار مهم است. زوجین که از استقلال یکدیگر حمایت می‌کنند، ارتباط عاطفی خود را تقویت می‌کنند و شایستگی‌های یکدیگر را می‌شناسند، به احتمال زیاد رضایت زناشویی و کیفیت کلی روابط را تجربه می‌کنند (السمهین، ۲۰۲۰). درک و پرداختن به این نیازهای روانی می‌تواند به زوجین کمک کند پیوند خود را تقویت کنند، ارتباطات را تقویت کنند، تعارضات را به طور سازنده حل کنند، و چالش‌ها را به طور موثر هدایت کنند، و در نهایت منجر به یک رابطه زناشویی رضایت بخش‌تر شود (بشارت، ۱۳۹۴).

علاوه بر نیازهای روانشناختی، سبک عشق‌ورزی زوجین نیز یک عامل مهم در رضایت زناشویی است؛ در واقع روش‌هایی که زوجین درگیر عشق‌بازی می‌شوند می‌تواند تأثیر بسزایی بر رضایت زناشویی داشته باشد (کاور[6]، ۲۰۲۴؛ افشین و همکاران، ۲۰۲۴). سبک منحصر به فرد عشق‌ورزی هر زوجین، که شامل ترجیحات، نگرش‌ها، رفتارها و ارتباطات آن‌ها در لحظات صمیمی می‌شود، می‌تواند بر پویایی کلی رابطه و سطح رضایت آن‌ها تأثیر بگذارد (افشین و همکاران، ۲۰۲۴). سبک عشق‌ورزی که توسط یک زوج اتخاذ می‌شود می‌تواند نشان دهنده توانایی آن‌ها در برقراری ارتباط آشکار، بیان خواسته‌ها و ارتباط عاطفی باشد. زوج‌هایی که با احترام متقابل، درک و توجه به نیازهای یکدیگر به فعالیت‌های صمیمی می‌پردازند، به احتمال زیاد سطوح بالاتری از رضایت زناشویی را تجربه می‌کنند. ارتباط موثر در طول عشق‌ورزی می‌تواند پیوند عاطفی بین زوجین را تقویت کند و احساس صمیمیت و ارتباط را افزایش دهد. عشق متعهدانه[7]، که اغلب به عنوان عشق بالغانه و مشفقانه شناخته می‌شود، شکل عمیق و پایدار عشق است که با فداکاری، وفاداری و تعهد طولانی مدت بین زوجین مشخص می‌شود. این نوعی عشق بالغ و پایدار است که فراتر از مراحل اولیه شیفتگی و اشتیاق است و به یک پیوند عاطفی قوی مبتنی بر احترام متقابل، اعتماد و تجربیات مشترک تبدیل می‌شود (کاسپ- بورگز[8]، ۲۰۲۱). عشق متعهدانه با صمیمیت عاطفی عمیق و ارتباط بین زوجین مشخص می‌شود. این شامل به اشتراک گذاشتن احساسات، افکار، و آسیب پذیری ها با یکدیگر، و همچنین ارائه حمایت عاطفی و درک در مواقع ضروری است (آگوس[9] و همکاران، ۲۰۲۱).

برآورده شدن نیازهای روانشناختی- خودمختاری، ارتباط و شایستگی- همچنین می‌تواند نقش مهمی در زمینه روابط صمیمانه، از جمله عشق ورزیدن داشته باشد (هنسلی[10] و همکاران، ۲۰۲۱؛ کلمنت[11] و همکاران، ۲۰۲۰؛ گراول[12] و همکاران، ۲۰۲۰؛ لین[13]، ۲۰۱۶). خودمختاری

1 Marital satisfaction
2. Sorokowski
3 psychological needs
4 Koçak
5 Al-Smeheen
6 Kaur
7 committed love
8 Cassepp-Borges
9 Agus
10 Hensley
11 Clemente
12 Gravel
13 Lin

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-22]

در زمینه عشق ورزیدن به توانایی هر یک از طرفین در بیان آزادانه خواسته‌ها، ترجیحات و مرزهای خود در رابطه صمیمی اشاره دارد. زمانی که افراد در تجارب عشق‌بازی خود احساس استقلال و اختیار می‌کنند، احتمالاً نیازهای خود را به طور مؤثر بیان می‌کنند، خواسته‌های خود را کشف می‌کنند و در فعالیت‌های صمیمی که با ترجیحات آن‌ها همخوانی دارد، شرکت می‌کنند (هنسلی و همکاران، ۲۰۲۱). رابطه در عشق ورزی بسیار مهم است زیرا به ارتباط عاطفی، صمیمیت و پیوند مشترک بین زوجین در لحظات صمیمی مربوط می شود. هنگامی که زوجین از نظر عاطفی احساس ارتباط، درک و حمایت در رابطه صمیمانه خود کنند، می‌تواند عمق صمیمیت فیزی‌کی آن‌ها را افزایش دهد؛ همچنین شایستگی در زمینه عشق ورزی شامل احساس مهارت، اعتماد به نفس و توانایی فرد در شرکت در فعالیت‌های صمیمی با شریک زندگی است. زمانی که افراد در مهارت‌ها و توانایی‌های عشق ورزی خود احساس شایستگی و ارزش می‌کنند، می‌تواند عزت نفس آن‌ها را تقویت کند، اعتماد به نفس آن‌ها را افزایش دهد و به تجربه صمیمی لذت بخش‌تر و رضایت بخشی کمک کند (گراول و همکاران، ۲۰۲۰).

با توجه به مباحث مطرح شده می‌توان اینگونه استنباط نمود که برطرف شدن نیازهای روانشناختی به سبب بهبود مهارت‌های عشق‌ورزی می‌تواند نقش مهمی در رضایت زناشویی داشته باشد و می‌توان عشق متعهدانه را یک عامل میانجی در رابطه بین نیازهای روانشناختی و رضایت زناشویی دانست. چراکه وقتی نیاز به استقلال در عشق‌ورزی مورد احترام و حمایت قرار گیرد، می‌تواند حس فردیت، توانمندی و ابراز وجود را در روابط زناشویی تقویت کند. همچنین احساس قوی ارتباط در عشق ورزی می‌تواند ارتباط عاطفی بین زوجین را تقویت کند، اعتماد، ارتباط و صمیمیت را در روابط زناشویی تقویت کند و ایجاد شایستگی در عشق ورزی می‌تواند عزت نفس، اعتماد به نفس و رضایت در رابطه زناشویی را افزایش دهد (افشین و همکاران، ۲۰۲۴). بنابراین می‌توان اینگونه فرض کرد که با تقویت استقلال، ارتباط و شایستگی در عشق‌ورزی متعهدانه، زوجین می‌توانند محیطی حمایت‌کننده و غنی‌کننده برای تعاملات صمیمانه، تقویت ارتباط عاطفی، ارتباط و رضایت در رابطه زناشویی ایجاد کنند. هنگامی که این نیازهای روانی براورده شوند و عشق‌ورزی متعهدانه شکا بگیرید، می‌تواند رضایت زناشویی را میانجیگری و تقویت کند و منجر به مشارکت رضایت بخش‌تر و هماهنگ‌تر شود.

بررسی نقش میانجی عشق‌ورزی متعهدانه در رابطه بین نیازهای روانشناختی و رضایت‌مندی زناشویی از اهمیت بالایی برخوردار است و می‌تواند به درک مکانیسم‌های زیربنایی رابطه بین دو متغیر کمک کند و یافته‌های حاصل از آن می‌تواند نقش موثری بر تدوین برنامه‌های آموزشی و درمانی در راستای ارتقاء رضایت زناشویی دانشجویان متاهل داشته باشد. با توجه به اهمیت این موضوع مطالعه حاضر با هدف تعیین نقش میانجی عشق‌ورزی متعهدانه در رابطه بین نیازهای روانشناختی و رضایتمندی زناشویی در دانشجویان متاهل انجام شد.

روش

پژوهش حاضر توصیفی- همبستگی از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه دانشجویان متاهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت در سال ۱۴۰۳ از مقطع کارشناسی تا دکتری بودند که از بین آن‌ها به روش نمونه‌گیری در دسترس ۲۱۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. حجم نمونه در این پژوهش بر اساس فرمول کلاین[1] (۲۰۱۱) برای پژوهش‌های مدل‌یابی معادلات ساختاری محاسبه شد. نمونه‌گیری به صورت حضوری (مداد-کاغذی) انجام شد و پس از احراز معیارهای ورود به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند. رضایت آگاهانه جهت شرکت در پژوهش، متاهل بودن، دامنه سنی ۱۸ تا ۴۵ سال، عدم ابتلا به بیماری‌های جسمانی مزمن؛ عدم مصرف داروهای روانپزشکی، عدم تجربه سوگ در شش ماه گذشته (که به روش خود اظهاری ثبت شد) و عدم سابقه طلاق و فوت همسر به عنوان معیار ورود به پژوهش در نظر گرفته شد و همچنین عدم پاسخ به سوالات پرسشنامه به عنوان معیار خروج در نظر گرفته شد. در این پژوهش ملاحظات اخلاقی به طور دقیق رعایت شد؛ همه شرکت کنندگان از اهداف پژوهش آگاه بودند؛ همچنین شرکت در این مطالعه هیچ آسیب جسمانی و روانی برای شرکت کنندگان به دنبال نداشت و در مورد رازداری و حریم خصوصی به افراد اطمینان داده شد. به منظور تحلیل داده‌ها ار نرم افزارهای آماری SPSS نسخه ۲۵ AMOS نسخه ۲۴ با روش آماری مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شده است.

ابزار سنجش

مقیاس مثلث عشق استرنبرگ (STLS)[2]: این مقیاس توسط استرنبرگ (۱۹۹۷) با ۴۵ سوال طراحی شده است که سه سبک عشق صمیمانه، شهوانه و متعهدانه را اندازه‌گیری می‌کند؛ نمره‌گذاری این پرسشنامه براساس طیف لیکرت نه درجه‌ای از ۱ (اصلاً) تا ۹ (خیلی زیاد) می‌باشد؛ هر زیر مقیاس شامل ۱۵ سوال است و دامنه نمرات در هر یک از سبک‌های عشق ورزی بین ۱۵ الی ۱۳۵ است و نمرات بیشتر نشان دهنده غالب بودن آن سبک عشق‌ورزی است. کاسپ- بورگز و پاسقوالی[3] (۲۰۱۲) در یک مطالعه به بررسی روایی و پایایی این مقیاس پرداختند،

1 Kline
2 Sternberg's Triangular Love Scale (STLS)
3 Cassepp-Borges & Pasquali

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-22]

روایی سازه به روش تحلیل عاملی تاییدی بررسی شد و سه عامل تایید شد که همه سوالات دارای بار عاملی بیشتر از ۰/۴۰ بودند و پایایی به روش همسانی درونی برای کل مقیاس ۰/۹۳ آلفای کرونباخ گزارش شد. قناعت باجگیرانی و همکاران (۱۳۹۲) پایایی این مقیاس با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای کل آزمون ۰/۹۲ گزارش نمودند و روایی به روش تحلیل عاملی اکتشافی بررسی نمودند که نشان داد سه عامل در مجموع ۶۹ درصد واریانس کل مقیاس را تبیین کرد. در پژوهش حاضر پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ برای مؤلفه تعهد ۰/۷۸بدست آمد.

مقیاس ارضاء نیازهای روانشناختی پایه (BPNSS)[1]: این مقیاس به وسیله دسی و رایان[2] (۲۰۰۰)، ساخته شده است و میزان احساس حمایت (ارضا) از نیازهای خودمختاری، شایستگی و ارتباط با دیگران را می‌سنجد و شامل ۲۱ سؤال است که بر اساس مقیاس ۷ درجه‌ای لیکرت (۱= اصلا درست نیست الی ۷- بسیار درست است) درجه بندی شده است. این شیوه نمره گذاری برای سؤالات ۳، ۴، ۷، ۱۱، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۰ معکوس است. خرده مقیاس خودمختاری با گویه‌های (۱، ۴، ۸، ۱۱، ۱۴، ۱۷، ۲۰)، خرده مقیاس شایستگی با گویه‌های (۳، ۵، ۱۰، ۱۳، ۱۵، ۱۹)، و خرده مقیاس ارتباط با گویه‌های (۲، ۶، ۷، ۹، ۱۲، ۱۶، ۱۸، ۲۱) مشخص می‌شود. حداقل نمره ۲۱ و حداکثر ۱۴۷ است، نمرات بالاتر نشان دهنده رضایت فرد از ارضاء نیازها است. روایی این پرسشنامه به روش تحلیل عاملی اکتشافی ۰/۷۳ و ضریب آلفا کرونباخ حاصل از اجرای این پرسشنامه ۰/۹۲ گزارش شده است (دسی و رایان، ۲۰۰۰). در ایران نیز این مقیاس در نمونه های مدیران و دانشجویان ایرانی اجرا شده و از روایی و پایایی مطلوبی برخوردار بود به طوری که آلفای کرونباخ این ابزار نیز بین ۰/۷۶ تا ۰/۷۹ بدست آمد و روایی ملاکی با پرسشنامه ذهن آگاهی ۰/۶۹ محاسبه شد (قاسمی پور و قربانی، ۱۳۸۹). در پژوهش حاضر پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ برای مؤلفه خودمختاری ۰/۷۱، شایستگی ۰/۷۶ و ارتباط ۰/۷۸ بدست آمد.

مقیاس رضایت زناشویی انریچ (EMS)[3]: مقیاس رضایت زناشویی انریچ فرم ۴۷ سؤالی آن توسط اولسون[4] (۱۹۸۹) تهیه شده است. این مقیاس ۱۲ زیرمقیاس پاسخ قراردادی، سازگاری، ویژگی‌های شخصیتی در رابطه زوجی، ارتباط زناشویی، حل تعارض، نظارت مالی، اوقات فراغت، روابط جنسی، فرزندان، ارتباط با دوستان، مساوات طلبی و جهت‌گیری مذهبی را اندازه‌گیری می‌کند (رایگانی و همکاران، ۱۴۰۱). نمره‌گذاری در این پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از کاملا موافقم (نمره ۵) الی کاملا مخالفم (نمره ۱) انجام می‌شود؛ بنابراین دامنه نمرات بین ۴۷ الی ۲۳۵ است و نمرات بیشتر نشان دهنده رضایت زناشویی بیشتر است. فاورز و السون (۱۹۹۳) رواسس محتوایی را ۰/۸۱ و پایایی به روش همسانی درونی را ۰/۸۶ گزارش کردند. در نمونه ایرانی روایی همگرا با ابزار سنجش خانواده ۰/۷۸ و ضریب همسانی درونی به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۱ گزارش شد (برخورداری و شهبازی، ۱۴۰۲). همچنین در مطالعه حاضر پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ ۰/۷۹ بدست آمد.

یافته ها

در این پژوهش ۲۰۰ نفر مشارکت داشتند و همه داده‌ها وارد تحلیل شدند. شرکت‌کنندگان در میانگین و انحراف معیار سنی ۲۳/۵۲±۳۰/۶ سال بود. میانگین و انحراف معیار مدت ازدواج ۴/۱۲±۲/۳۳ سال بود. ۱۷۸ نفر (۸۹ درصد) هیچ فرزندی نداشتند و ۲۲ نفر (۱۱ درصد) دارای حداقل یک فرزند بودند. نتایج نشان داد که از مجموع شرکت‌کنندگان، ۱۰۸ نفر (۵۴ درصد) زن و ۹۲ نفر (۴۶ درصد) مرد بودند. ۱۲۴ نفر (۶۲ درصد) شاغل بودند، اما در مقابل ۷۶ نفر (۳۸ درصد) شاغل نبودند. ۱۲۵ نفر (۵/۶۲ درصد) دارای تحصیلات کارشناسی، ۶۴ نفر (۳۲ درصد) دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و ۱۱ نفر (۵/۵ درصد) دارای تحصیلات دکتری بودند. در جدول ۱ یافته‌های توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش ارائه شده است.

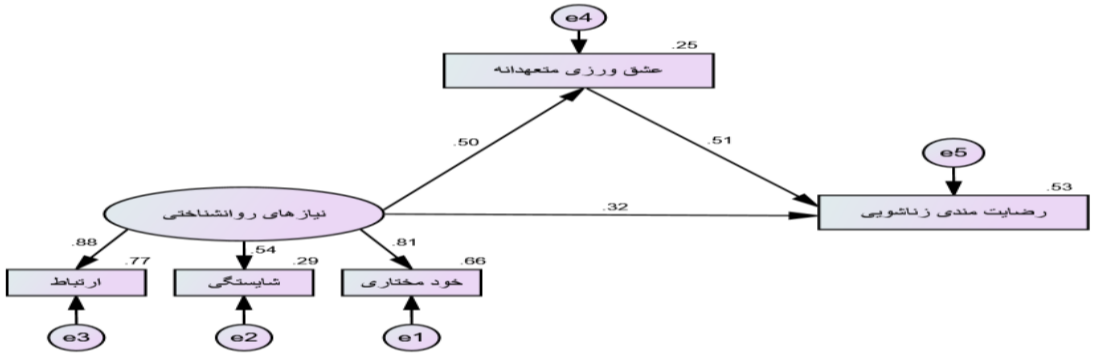
جدول ۱: یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش و ضرایب همبستگی پیرسون

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی	۱	۲	۳
۱- رضایتمندی زناشویی	۸۰/۹۱	۱۵/۴۸	۰/۱۱	-۰/۶۷	۱		
۲- نیازهای روانشناختی	۶۸/۶۱	۱۹/۹۶	۰/۷۶	۱/۷۳	۰/۴۸ **	۱	
۳- عشق‌ورزی متعهدانه	۹۳/۸۰	۲۸/۳۲	-۰/۵۵	-۱/۴۲	۰/۴۱ **	۰/۳۴ **	۱

1 Basic Psychological Need Satisfaction Scales (BPNSS)
2 Deci & Ryan
3 The Enrich Marital Satisfaction scale (EMS)
4 Olson

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-22]

در جدول ۱ یافته‌های توصیفی و ضرایب همبستگی پیرسون ارائه شده است؛ آماره شاخص‌های کجی و کشیدگی در محدوده ۲ الی ۲-قرار داشت که نشان دهنده طبیعی بودن توزیع داده‌ها در متغیرهای پژوهش است؛ همچنین ضریب مردیا در این مطالعه ۶/۲۳ محاسبه شد، به عبارت دیگر نرمال بودن چند متغیری نیز برقرار است، زیرا مقدار این آماره کمتر از ۸ می‌باشد. با توجه به طبیعی بودن توزیع داده‌ها جهت بررسی رابطه خطی بین متغیرها از آزمون پارامتری ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد؛ نتایج نشان داد که رضایتمندی زناشویی به‌طور مثبت و معنادار با نیازهای روانشناختی (r=۰/۴۸) و عشق‌ورزی متعهدانه (r=۰/۴۱) رابطه دارد؛ همچنین بین نیازهای روانشناختی و عشق‌ورزی متعهدانه (r=۰/۳۴) رابطه مثبت و معنادار وجود داشت (P<۰/۰۵). به منظور اجرای آزمون مدل‌یابی معادلات ساختاری و بررسی برازش مدل پیشنهادی، ابتدا پیش‌فرض‌های استقلال خطاها و عدم هم‌خطی چندگانه بررسی شد، نتایج نشان داد که آماره دوربین واتسون[1] برابر با ۱/۸۳ و در دامنه مطلوبیت ۱/۵۰ تا ۲/۵۰ قرار دارد و بیانگر استقلال باقی‌مانده‌ها است. هم‌چنین هرچه مقدار تولرانس بیش‌تر (نزدیک به ۱) باشد، میزان هم‌خطی کمتر است؛ در این مطالعه میزان تلورانس برای متغیرهای پیش‌بین و میانجی ۰/۷۸ گزارش شد که نشانگر هم‌خطی مطلوب است. به‌منظور آزمون مدل مفهومی پژوهش از مدل معادلات ساختاری با حداکثر درست‌نمایی استفاده شد، ضرایب مسیر در شکل ۱ ارائه شده است.



شکل ۱: مدل برازش شده پژوهش در حالت استاندارد

با توجه به نتایج شکل ۱ مدل پیشنهادی نقش میانجی عشق‌ورزی متعهدانه در رابطه بین نیازهای روانشناختی و رضایت‌مندی زناشویی در مجموع ۵۳ درصد از واریانس را پیش‌بینی می‌کند؛ در ادامه ضرایب مسیرهای مستقیم در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: ضرایب اثرات مستقیم متغیرهای مدل معادلات ساختاری

مسیرها	ضریب مسیر	خطا استاندارد	مقدار t	حد پایین	حد بالا	مقدار P
نیازهای روانشناختی--- رضایت‌مندی زناشویی	۰/۳۲	۰/۰۷	۳/۴۲	۰/۲۰	۰/۴۴	۰/۰۱
عشق‌ورزی متعهدانه--- رضایت‌مندی زناشویی	۰/۵۱	۰/۰۶	۵/۷۶	۰/۴۰	۰/۶۰	۰/۰۱
نیازهای روانشناختی --- عشق‌ورزی متعهدانه	۰/۵۰	۰/۰۵	۵/۷۰	۰/۳۹	۰/۵۸	۰/۰۱

نتایج در جدول ۲ نشان داد اثرات مستقیم نیازهای روانشناختی (β=۰/۳۲) و عشق‌ورزی متعهدانه (β=۰/۵۱) بر رضایت‌مندی زناشویی معنادار بود؛ همچنین اثر مستقیم نیازهای روانشناختی بر عشق‌ورزی متعهدانه (β=۰/۵۰) معنادار بود (P<۰/۰۵)؛ در واقع می‌توان گفت اثرات مستقیم در متغیرهای مدل معنادار است در ادامه، نتایج تحلیل میانجی در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: اثرات میانجی مدل معادلات ساختاری

مسیرها	ضریب مسیر	خطا استاندارد	حد پایین	حد بالا	مقدار P
نیازهای روانشناختی -- عشق‌ورزی متعهدانه -- رضایت‌مندی زناشویی	۰/۲۶	۰/۰۴	۰/۱۹	۰/۳۳	۰/۰۱

به منظور بررسی نقش میانجی از روش بوت استرپ استفاده شد، نتیجه در جدول ۳ نشان داد که عشق‌ورزی متعهدانه در رابطه بین نیازهای روانشناختی و رضایت‌مندی زناشویی (β=۰/۲۶) نقش میانجی داشت (P<۰/۰۵). در ادامه شاخص‌های برازش حاصل از مدل پیشنهادی ارائه شده است.

1 .Durbin-Watson

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-22]

جدول ۴: شاخص‌های برازش مدل مفهومی پژوهش

شاخص‌های برازش	CMIN	P	df	CMIN/DF	CFI	GFI	AGFA	IFI	NFI	RMSEA
مدل پژوهش	۱۰/۸۲	۰/۰۷	۴	۲/۷۱	۰/۹۸	۰/۹۸	۰/۹۲	۰/۹۸	۰/۹۷	۰/۰۵
معیار تصمیم	-	P>۰/۰۵	-	<۵	>۰/۹۰	>۰/۹۰	>۰/۹۰	>۰/۹۰	>۰/۹۰	<۰/۰۸

نتایج جدول ۴ نشان داد که شاخص‌های برازندگی حاصل از مدل معادلات ساختاری مدل‌یابی اعتیاد به گوشی هوشمند بر اساس والدگری هلیکوپنری با نقش میانجی خودتنظیمی از برازش مطلوب برخوردار بود (χ^2=۱۰/۸۲، df=۴، χ^2/df=۲/۷۱، CFI =۰/۹۸، NFI =۰/۹۷ و RMSEA =۰/۰۵).

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر با هدف تعیین نقش میانجی عشق‌ورزی متعهدانه در رابطه بین نیازهای روانشناختی و رضایتمندی زناشویی در دانشجویان متاهل انجام شد. یافته اول نشان داد که ارضاء نیازهای روانشناختی (خودمختاری، شایستگی و ارتباط) نقش موثری بر افزایش رضایتمندی زناشویی دارند؛ این یافته با پژوهش‌های کوکاک (۲۰۲۴)؛ السمهین (۲۰۲۰) و بشارت و همکاران (۱۳۹۴) همسو بود. در تبیین می‌توان گفت که نیازهای روانشناختی - خودمختاری، ارتباط و شایستگی- با تأثیرگذاری بر پویایی یک رابطه و ارتباط عاطفی بین زوجین، نقش مهمی در شکل‌گیری رضایت زناشویی بازی می‌کنند. خودمختاری به افراد این امکان را می‌دهد تا خود واقعی خود را در رابطه ابراز کنند. هنگامی که زوجین خود احساس آزادی می‌کنند تا نظرات خود را بیان کنند، تصمیم بگیرند و به طور مستقل اهداف شخصی را دنبال کنند، احساس خودمختاری و هویت خود را در ازدواج تقویت می‌کند (عبادی و همکاران، ۲۰۱۸). احترام به خودمختاری یکدیگر در یک رابطه باعث ایجاد اعتماد و احترام متقابل می‌شود. وقتی مرزها رعایت می شوند، تعارضات به حداقل می‌رسد و زوجین در فردیت خود احساس امنیت می‌کنند. همچنین خودمختاری افراد را قادر می‌سازد تا انتخاب‌هایی مطابق با ارزش‌ها و خواسته‌های آن‌ها داشته باشند. زمانی که هر دو طرف احساس قدرت برای بیان و تصمیم‌گیری آزادانه داشته باشند، می‌تواند منجر به احساس رضایت و رضایت در ازدواج شود (کوکاک، ۲۰۲۴). شایستگی در یک رابطه به احساس مهارت، توانایی و اطمینان از توانایی خود برای مشارکت در مشارکت اشاره دارد. وقتی افراد برای مشارکت خود احساس شایستگی و ارزشمندی می‌کنند، عزت نفس را افزایش می‌دهد و رضایت زناشویی را به دنبال دارد (نعیمی، ۲۰۱۸).

یافته دوم نشان داد که عشق متعهدانه یک عامل مهم در افزایش رضایتمندی زناشویی است؛ این یافته با پژوهش‌های کاور (۲۰۲۴)، افشین و همکاران (۲۰۲۴) و کاسپ- بورگز (۲۰۲۱) همسو بود. در تبیین می‌توان گفت که عشق متعهد به دلیل عمق ارتباط عاطفی، اعتماد و حمایت متقابلی که در یک رابطه ایجاد می‌کند، می‌تواند به میزان قابل توجهی به رضایت زناشویی کمک کند. عشق متعهد بر پایه یک پیوند عاطفی قوی بین زوجین ایجاد می‌شود. این ارتباط عمیق به افراد این امکان را می‌دهد که احساس درک، ارزش و حمایت توسط طرف مقابلشان داشته باشند و احساس امنیت و صمیمیت عاطفی در رابطه ایجاد کنند؛ همچنین تعهد در عشق مستلزم اعتماد و وفاداری است. زوجین متعهد به یکدیگر بیشتر به استحکام رابطه خود اعتماد می‌کنند که می‌تواند به احساس امنیت و ثبات بیشتری منجر شود. این اعتماد پایه و اساس یک پیوند زناشویی سالم و رضایت بخش را تشکیل می‌دهد (نیهویس[1] و همکاران، ۲۰۲۴). عشق متعهد اغلب شامل زوجینی می‌شود که ارزش‌ها، باورها و اهداف زندگی مشترک دارند. هنگامی که زوجین در آرزوهای خود همسو باشند و با هم در جهت اهداف مشترک کار کنند، می‌تواند ارتباط آن‌ها را تقویت کند و به یک رابطه رضایت بخش تر منجر شود (کاسپ- بورگز، ۲۰۲۱).

علاوه بر نیازهای روانشناختی، سبک عشق‌ورزی زوجین نیز یک عامل مهم در رضایت زناشویی است؛ در واقع روش‌هایی که زوجین درگیر عشق‌بازی می‌شوند می‌تواند تأثیر بسزایی بر رضایت زناشویی داشته باشد (کاور[2]، ۲۰۲۴؛ افشین و همکاران، ۲۰۲۴). سبک منحصر به فرد عشق‌ورزی هر زوجین، که شامل ترجیحات، نگرش‌ها، رفتارها و ارتباطات آن‌ها در لحظات صمیمی می‌شود، می‌تواند بر پویایی کلی رابطه و سطح رضایت آن‌ها تأثیر بگذارد (افشین و همکاران، ۲۰۲۴). سبک عشق‌ورزی که توسط یک زوج اتخاذ می‌شود می‌تواند نشان دهنده توانایی آن‌ها در برقراری ارتباط آشکار، بیان خواسته‌ها و ارتباط عاطفی باشد. زوج‌هایی که با احترام متقابل، درک و توجه به نیازهای یکدیگر به فعالیت‌های صمیمی می‌پردازند، به احتمال زیاد سطوح بالاتری از رضایت زناشویی را تجربه می‌کنند. ارتباط موثر در طول عشق‌ورزی می‌تواند پیوند عاطفی بین زوجین را تقویت کند و احساس صمیمیت و ارتباط را افزایش دهد. عشق متعهدانه[3]، که اغلب به عنوان عشق بالغانه و مشفقانه شناخته

1 Niehuis
2 Kaur
3 committed love

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-22]

می‌شود، شکل عمیق و پایدار عشق است که با فداکاری، وفاداری و تعهد طولانی مدت بین زوجین مشخص می‌شود. این نوعی عشق بالغ و پایدار است که فراتر از مراحل اولیه شیفتگی و اشتیاق است و به یک پیوند عاطفی قوی مبتنی بر احترام متقابل، اعتماد و تجربیات مشترک تبدیل می‌شود (کاسپ- بورگز[1]، ۲۰۲۱). عشق متعهدانه با صمیمیت عاطفی عمیق و ارتباط بین زوجین مشخص می‌شود. این شامل به اشتراک گذاشتن احساسات، افکار، و آسیب پذیری ها با یکدیگر، و همچنین ارائه حمایت عاطفی و درک در مواقع ضروری است (آگوس[2] و همکاران، ۲۰۲۱).

یافته سوم نشان داد که ارضاء نیازهای روانشناختی (خودمختاری، شایستگی و ارتباط) نقش موثری بر افزایش عشق متعهدانه دارند؛ این یافته پژوهش‌های هنسلی و همکاران (۲۰۲۱)؛ کلمنت و همکاران (۲۰۲۰)؛ گراول و همکاران (۲۰۲۰) و لین (۲۰۱۶) همسو بود. در تبیین می‌توان گفت که خودمختاری به ایجاد مرزهای سالم در یک رابطه متعهد کمک می‌کند. زوجینی که می‌توانند مرزهای یکدیگر را تعیین کرده و به آن‌ها احترام بگذارند، به احتمال زیاد احساس امنیت، ارزش و ارتباط عاطفی می‌کنند و کیفیت عشق و تعهد آن‌ها را افزایش می‌دهند؛ رابطه بر صمیمیت عاطفی، همدلی و ارتباط بین زوجین دارد. زوجینی که رابطه‌ی خویشاوندی را در اولویت قرار می‌دهند، یک پیوند عاطفی قوی ایجاد می‌کنند، اعتماد، درک و حمایت را در عشق متعهدشان تقویت می‌کنند. همچنین شایستگی در یک رابطه شامل احساس مهارت، توانمندی و ارزش گذاری در مشارکت است. زوجینی که از رشد یکدیگر حمایت می‌کنند، دستاوردها را برجسته می‌کنند و نقاط قوت یکدیگر را می‌شناسند، حس شایستگی و تسلط را در عشق متعهدانه خود پرورش می‌دهند (هنسلی و همکاران)؛ که در نهایت شناخت و قدردانی از توانایی‌ها و تلاش‌های یکدیگر باعث ارتقای یک محیط حمایتی و پرورشی می‌شود. زوجینی که در رابطه خود احساس شایستگی و ارزشمندی می‌کنند، به احتمال زیاد در تعهد و عشق به یکدیگر احساس قدردانی، حمایت و امنیت می‌کنند (گراول و همکاران، ۲۰۲۰). در نتیجه، برآوردن نیازهای روانشناختی برای استقلال، وابستگی و شایستگی در یک رابطه عاشقانه متعهد می‌تواند ارتباط عاطفی، ارتباط، بهزیستی روانشناختی و رضایت کلی را افزایش دهد. با شناخت و پرداختن به این نیازهای روانی، زوجین می‌توانند محیطی حمایتی و غنی ایجاد کنند که تعهد، عشق و پیوند آن‌ها را با یکدیگر تقویت می‌کند و منجر به ایجاد یک رابطه رضایت بخش‌تر می‌شود.

یافته نهایی نشان داد عشق متعهدانه بین ارضاء نیازهای روانشناختی (خودمختاری، شایستگی و ارتباط) و رضایتمندی زناشویی نقش میانجی داشت؛ این یافته با پژوهش‌های وز-سویسال[3] و همکاران (۲۰۲۴) و وانهی[4] و همکاران (۲۰۱۶) همسو بود. در تبیین می‌توان گفت که سبک عشق متعهدانه شریک زندگی می‌تواند بر نحوه درک و برآورده شدن نیازهای روانی در رابطه تأثیر بگذارد. به عنوان مثال: یک شریک که به طور ایمن وابسته است ممکن است محیط حمایتی را فراهم کند که در آن خودمختاری برآورده شود، خویشاوندی پرورش داده شود، و شایستگی به رسمیت شناخته شود، که منجر به رضایت زناشویی بالاتر شود. یک سبک عشق متعهدانه که با دلبستگی ایمن مشخص می‌شود، می‌تواند ارتباط موثر و تفاهم بین زوجین را تقویت کند، برآورده شدن نیازهای روانی و در نهایت افزایش رضایت زناشویی را افزایش دهد (اوز-سویسال و همکاران، ۲۰۲۴). زوجین دارای سبک عشق متعهدانه حمایتی بیشتر احتمال دارد که محیطی را ایجاد کنند که در آن استقلال، خویشاوندی و شایستگی ارزش گذاری و پرورش داده شود، که منجر به احساس رضایت قوی تری در ازدواج می‌شود. بنابراین می‌توان اینگونه بیان نمود که ارضاء نیازهای روانشناختی می‌تواند به واسطه ایجاد عشق متعهدانه نقش موثری بر افزایش رضایت‌مندی زناشویی داشته باشد (وانهی و همکاران، ۲۰۱۶).

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که نیازهای روانشناختی به‌صورت مستقیم و با نقش میانجی عشق متعهدانه بر رضایت‌مندی زناشویی تاثیر دارند. تأثیر مثبت مستقیم نیازهای روانشناختی بر رضایت زناشویی بر اهمیت برآوردن این نیازهای اساسی در یک رابطه تأکید می‌کند. هنگامی که افراد در رابطه خود احساس استقلال، وابستگی و شایستگی می‌کنند، احتمال بیشتری دارد که سطوح بالاتری از رضایت را در ازدواج خود تجربه کنند. علاوه بر این، نتایج نشان می‌دهد که نیازهای روان‌شناختی نیز از طریق نقش واسطه‌ای عشق متعهدانه بر رضایت زناشویی تأثیر می‌گذارد، نشان می‌دهد که کیفیت و سبک عشق در یک رابطه نقش مهمی در تبدیل این نیازهای روان‌شناختی به رضایت کلی دارد. عشق متعهد به عنوان یک واسطه عمل می‌کند که تحقق استقلال، وابستگی و شایستگی را به ادراک نهایی رضایت زناشویی متصل می‌کند. در نتیجه، این یافته‌ها بر تأثیر متقابل بین نیازهای روانشناختی، عشق متعهدانه و رضایت زناشویی تأکید دارند. با درک اینکه چگونه نیازهای روانشناختی نه تنها مستقیماً با رضایت زناشویی مرتبط هستند، بلکه از طریق دریچه عشق متعهدانه نیز عمل می‌کنند.

در پژوهش حاضر نمونه‌گیری به‌صورت در دسترس انجام شد و فقط در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت اجرا شد؛ بر این اساس تعمیم نتایج به جامعه آماری وسیع‌تر با محدودیت همراه است؛ پیشنهاد می‌شود که در مطالعات آینده از روش‌های نمونه‌گیری تصادفی و سایر مراکز آموزش عالی استفاده شود. همچنین در این مطالعه داشتن یا نداشتن فرزند و مدت ازدواج در مدل معادلات ساختاری کنترل نشد؛ پیشنهاد

1 Cassepp-Borges
2 Agus
3 Oz-Soysal
4 Vanhee

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-22]

می‌شود اینگونه متغیرها به عنوان متغیر تعدیل‌کننده در مدل‌یابی معادلات ساختاری کنترل شوند. در حوزه کاربردی پیشنهاد می‌شود که در جهت بهبود رضایتمندی زناشویی دانشجویان دروه‌های آموزشی با هدف شناسایی نیازهای روانشناختی و سبک‌های عشق‌ورزی اجرا گردد.

منابع

برخورداری، م.، و شهبازی، الف. ح. (۱۴۰۲). پیش بینی رضایت زناشویی بر اساس سبک های دلبستگی با نقش واسطه ای ذهن آگاهی و مثبت اندیشی. *رویش روان شناسی*، ۱۲ (۳)، ۲۰۸-۱۹۹. http://frooyesh.ir/article-1-4409-fa.html

بشارت، م. ع.، هوشمند، س. ن.، رضازاده، م. ر.، غلامعلی لواسانی، م. (۱۳۹۴). نقش تعدیل‌کننده ارضای نیازهای بنیادین روانشناختی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری والدین و رضایت زناشویی فرزندان. *روانشناسی خانواده*، ۲ (۱)، ۱۵-۲۸. https://www.ijfpjournal.ir/article_245501.html?lang=fa

قاسمی پور، ی.، و قربانی، ن. (۱۳۸۹). بهوشیاری و نیازهای بنیادین روان شناختی در بیماران قلبی-عروقی. *مجله روان پزشکی و روان شناسی بالینی ایران*، ۱۶(۲)، ۱۵۴-۱۶۲. http://ijpcp.iums.ac.ir/article-1-1047-fa.html

قناعت باجگیرانی، س.، قنبری هاشم آبادی، ب.، و ظریف، ف. (۱۳۹۲). بررسی رابطه میان تمایزیافتگی‌خود و سبک‌های عشق‌ورزی. *فرهنگ مشاوره و روان درمانی*، ۴ (۱۶)، ۸۴-۶۹. https://qccpc.atu.ac.ir/article_51.html

Afshin, A., Ganji, F. P., & Yaghobiyan, R. (2024). Predicting Marital Intimacy Based on Attachment Styles, Early Maladaptive Schemas, and Love Styles in Married Female Students. *Applied Family Therapy Journal (AFTJ)*, *5*(1), 108-114. https://doi.org/10.61838/kman.aftj.5.1.12

Agus, M., Puddu, L., & Raffagnino, R. (2021). Exploring the similarity of partners' love styles and their relationships with marital satisfaction: A dyadic approach. *SAGE Open*, *11*(4), 285. https://doi.org/10.1177/21582440211040785

Al-Smeheen, F. A. (2020). The Predictive Power of Psychological Needs and Self-efficacy for the Level of Marital Happiness. *Asian Social Science*, *16*(11), 41. https://doi.org/10.5539/ass.v16n11p41

Cassepp-Borges, V. (2021). Should I stay or should I go? Relationship satisfaction, love, love styles and religion compatibility predicting the fate of relationships. *Sexuality & Culture*, *25*(3), 871-883. https://doi.org/10.1007/s12119-020-09798-2

Cassepp-Borges, V., & Pasquali, L. (2012). Sternberg's Triangular Love Scale National Study of Psychometric Attributes. *Paidéia*, *22*(51), 21-31. https://doi.org/10.1590/S0103-863X2012000100004

Clemente, M., Gandoy-Crego, M., Bugallo-Carrera, C., Reig-Botella, A., & Gomez-Cantorna, C. (2020). Types of love as a function of satisfaction and age. *PsyCh Journal*, *9*(3), 402-413. https://doi.org/10.1002/pchj.338

Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2000). The" what" and" why" of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior. *Psychological inquiry*, *11*(4), 227-268. https://doi.org/10.1207/S15327965PLI1104_01

Ebadi, Z., Pasha, R., Hafezi, F., & Eftekhar, Z. (2018). The effectiveness of cognitive behavioral therapy on marital intimacy and identification of the basic psychological needs among couples referring to counseling centers. *Avicenna Journal of Neuro psycho physiology*, *5*(4), 189-196. https://ajnpp.umsha.ac.ir/article-1-152-fa.html

Gravel, E. E., Reissing, E. D., & Pelletier, L. G. (2020). The ebb and flow of sexual well-being: The contributions of basic psychological needs and autonomous and controlled sexual motivation to daily variations in sexual well-being. *Journal of Social and Personal Relationships*, *37*(7), 2286-2306. https://doi.org/10.1177/0265407520921558

Hensley, L., Sayers, R., Brady, A., & Cutshall, J. (2021). Supporting autonomy, competence, and relatedness in a learning-to-learn course: College students' insights into effective instruction. *Teaching of Psychology*, *48*(3), 236-247. https://doi.org/10.1177/0098628320977270

Kaur, J. (2024). Romantic Relationship Satisfaction, Attachment Style And Love Style Among College Going Students. *Educational Administration: Theory and Practice*, *30*(5), 7874-7883. https://kuey.net/index.php/kuey/article/view/4252

Khezri, Z., Hassan, S. A., & Nordin, M. H. M. (2020). Factors affecting marital satisfaction and marital communication among marital women: Literature of review. *International journal of academic research in business and social sciences*, *10*(16), 220-236. https://doi.org/10.6007/IJARBSS/v10-i16/8306

Kline, R. B. (2011). Principles and practice of structural equation modeling (3th ed.). Guilford publications. https://psycnet.apa.org/record/2010-18801-000

Koçak, A. (2024). From marital conflict to life satisfaction: How basic psychological need satisfaction operates—A dyadic analysis study. *Asian Journal of Social Psychology*, *3* (1), 12-21. https://doi.org/10.1111/ajsp.12648

Lin, J. H. (2016). Need for relatedness: A self-determination approach to examining attachment styles, Facebook use, and psychological well-being. *Asian Journal of Communication*, *26*(2), 153-173. https://doi.org/10.1080/01292986.2015.1126749

Madanian, L., Mansor, S. M. S. S., & bin Omar, A. H. (2013). Marital satisfaction of Iranian female students in Malaysia: a qualitative study. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, *84*, 987-993. https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2013.06.686

Naemi, A. (2018). Relationship between basic psychological needs satisfaction with resilience and marital satisfaction in teachers. *International Journal of Educational and Psychological Researches*, *4*(2), 78-78. https://oa.mg/work/10.4103/jepr.jepr_67_16

Niehuis, S., Davis, K., Reifman, A., Callaway, K., Luempert, A., Oldham, C. R., ... & Willis-Grossmann, E. (2024). Psychometric evaluation of single-item relationship satisfaction, love, conflict, and commitment measures. *Personality and Social Psychology Bulletin*, *50*(3), 387-405. https://doi.org/10.1177/01461672221133693

Oz-Soysal, F. S., Bakalım, O., Tasdelen-Karckay, A., & Ogan, S. (2024). The Association Between Autonomy Need Satisfaction and Perceived Romantic Relationship Quality: The Mediating Role of Openness. *Emerging Adulthood*, *12*(2), 187-200. https://doi.org/10.1177/21676968231220074

Sorokowski, P., Randall, A. K., Groyecka, A., Frackowiak, T., Cantarero, K., Hilpert, P., ... & Sorokowska, A. (2017). Marital satisfaction, sex, age, marriage duration, religion, number of children, economic status, education, and collectivistic values: Data from 33 countries. *Frontiers in psychology*, *8*, 1199. https://doi.org/10.3389/fpsyg.2017.01199

Sternberg, R. J. (1997). *Sternberg's Triangular Love Scale (STLS)*. APA PsycTests. https://doi.org/10.1037/t05922-000

Vanhee, G., Lemmens, G., & Verhofstadt, L. L. (2016). Relationship satisfaction: High need satisfaction or low need frustration?. *Social Behavior and Personality: an international journal*, *44*(6), 923-930. https://doi.org/10.2224/sbp.2016.44.6.923

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-22]